

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاستیک/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها -- جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایران -- تهران.
موضوع	مدیریت بحران -- ایران -- تهران.
موضوع	بلاها -- آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

۷ پلاسکو از آغاز تا پایان

مدیریت و سیاست شهری

- ۱۵ گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی
- ۲۵ پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی
- ۳۱ مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی
- ۳۵ تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی
- ۴۳ ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری
- ۴۹ فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد
- ۵۷ آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل
- ۶۵ جامعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر
- ۷۱ مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده
- ۷۹ مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی
- ۸۷ خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی
- ۹۷ هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی
- ۱۰۳ ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی
- ۱۱۱ آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی
- ۱۱۹ چتری برای پلاسکو / یاسر باقری
- ۱۲۹ قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی
- ۱۳۵ عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

■

سلفی بگیران پلاسکو

احسان شاه قاسمی

عضو هیات علمی گروه ارتباطات دانشگاه تهران

سقوط برج پلاسکو از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است و در روزهای گذشته مفسران، روزنامه‌نگاران، پژوهشگران، جامعه‌شناسان، مهندسان و بسیاری از دیگر گروه‌های حرفه‌ای، به این حادثه از جنبه‌های مختلف تاریخی، فنی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی و حتی زیبایی‌شناسی پرداخته‌اند و این توجه همگانی و حرفه‌ای نشان می‌دهد که کار برج پلاسکو با آواربرداری و تشییع پیکر آتش‌نشانان و حتی با ساخت برجی بزرگ‌تر و مدرن‌تر در جای آن، پایان نخواهد یافت.

یکی از بحث‌هایی که در روزهای گذشته در مورد حادثه پلاسکو مطرح بوده است، شیوه‌های پیش‌گیری از این حادثه بود که در دو بخش مطرح شده‌اند. بخش بزرگ‌تر که طیفی مهم از گمانه‌زنی‌ها در مورد کوتاهی مسئولان در پیش‌گیری از وقوع حادثه را در بر می‌گیرد، ارتباط

چندان زیادی به این نوشتار پیدا نمی‌کند؛ چرا که آن چه در این جا به آن خواهم پرداخت، در راستای بخش کوچک‌تر این ادبیات است که در نقد مردمی نوشته شده که به هر نحو اجازه ندادند فرصت ارزشمند اولیه برای نجات ساختمان پلاسکو از دست برود، یا دست‌کم ما فکر می‌کنیم که ممکن بود بشود کاری کرد که ساختمان فرو نریزد.

این نقدها به این دلیل اندک‌اند که نویسندگان، معمولاً دوست ندارند خود را رو در روی «مردم» قرار دهند. واژه «مردم» بار ایدئولوژیک دارد و نقد مردم می‌تواند موجی از نقدها را به سوی نویسنده سرازیر کند و نویسندگان که بنا به سرشت خود انسان‌های لطیف و آسیب‌پذیری هستند، معمولاً از نقد شدن پرهیز می‌کنند. نویسندگان، گرچه گه‌گاهی، گوشه‌ای به مسئله رفتار نادرست مردم در ساعت‌های اولیه حادثه داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد که نقد کردن دولت، شهرداری، بنیاد مستضعفان، تحریم‌ها، غرب، و سازندگان بنا بیشتر مورد توجه آن‌ها قرار گرفته است. در نقد حاضر، با پرهیز از این رویکرد، چند نکته را در مورد رفتار مردم در ساعت‌های آغازین حادثه تبیین می‌کنم؛ کسانی که من آن‌ها را «سلفی‌بگیران پلاسکو» می‌خوانم، البته همان‌طور که بعداً خواهم گفت، سلفی‌بگیران تنها کسانی نیستند که با گوشی تلفن از خودشان و برج سوزان پلاسکو عکس گرفته‌اند، در این نوشتار، اکثر افرادی که آن روز در چهار راه استانبول تجمع کرده بودند، به عنوان کسانی دیده می‌شوند که می‌خواستند حضور خود را در آن لحظه خاص و در آن مکان خاص ثبت کنند؛ آن‌ها «سلفی‌بگیر» بودند، گرچه سلفی نگرفتند.

۱ - سلفی‌بگیران، نویسنده

گرچه گرفتن سلفی، پدیده‌ای نو است، اما سرشت این پدیده، اصلاً چیز جدیدی نیست. انسان دوست دارد خود را محقق کند. او میل



دارد، خود را ثبت کند. آدم‌ها از چند ده هزار سال پیش در غارها نقاشی می‌کردند، وصیت می‌کردند پس از مرگ مومیایی شوند یا در قبرهای محکم و سنگی قرار داده شوند تا جاودانه بمانند. سنگ‌نبشته‌ها، کتیبه‌ها، مجسمه‌ها و حتی استخدام پرتره‌کش‌ها و مورخان، از همان میلی‌سرچشمه می‌گرفته‌اند که امروزه ما را به سلفی‌بگیران تبدیل کرده است. رفتارهای ضد اجتماعی دیگری مثل یادگاری نوشتن روی درخت یا در دستشویی، یا بدتر از همه یادگاری نوشتن روی ابنیه تاریخی، از این میل به جاودانگی و تحقق خود نشئت گرفته است. در شرق، تمجید کردن برخی افراد از فاتحان خون‌ریز و جنایت‌کاران سنگ‌دل را نباید همیشه نتیجه ناآگاهی آن‌ها دانست، چرا که گاهی این کار به این دلیل انجام می‌شود که شخص می‌خواهد مجازاً در کنار یک فاتح خون‌ریز، شهر را تسخیر کند و دیگرانی را که در زندگی روزمره برای او هزار مانع ایجاد می‌کنند، بکشد. گرفتن سلفی از این منظر، نه نوعی آفرینش هنری، بلکه نوعی تحقق خود است. انسان می‌خواهد در آن لحظه، حضور داشته باشد و به دیگران هم این حضور را یادآور شود. پس، در سرشت امور، سلفی گرفتن همان کاری را انجام می‌دهد که یادگاری نوشتن یا خاطره‌نگاری و حتی ثبت رویدادها با دوربین عکاسی. در همه این‌ها نوعی پدیدآورندگی وجود دارد که در آن پدیدآورنده یا در جلوی صحنه یا به عنوان دانای کل حضور دارد و از این حضور داشتن خرسند است.

۲ - عصر لنز تله فوتو

سلفی‌ها گرچه پدیده‌ای متعلق به دهه دوم هزاره سوم هستند، اما مقدمات ورود آن‌ها به جامعه، بیش از نیمه سده پیش پدیدار شده بود. پیدایش لنز تله فوتو در آغاز دهه ۱۹۶۰ را باید آغاز عصری دانست که در آن تصویر چهره ستاره‌ها (و بر اساس همذات‌پنداری، چهره هواداران دو



آتشه آن‌ها) در هاله‌ای از نور قرار گرفت. دوربین مارچلوگپتی ایتالیایی، که برای نخستین بار به لنز تله‌فوتو مجهز شده بود توانست در نزدیکی شهر مذهبی رم تصاویر واضحی از ریچارد برتون و الیزابت تیلور را ثبت کند در حالی که آن دو که هر دو متاهل و صاحب فرزند بودند، برهنه بر روی یک قایق تفریحی در کنار هم دراز کشیده بودند. پس از آن بود که عکاسان متوجه شدند این تصاویر می‌تواند برای آنها بسیار پول‌ساز باشد. گرچه در آغاز، سلبریتی‌ها از این تجاوز به حریم خصوصی‌شان آزرده بودند و موارد زیادی از درگیری میان سلبریتی‌ها و paparazzi‌ها در این دوران ثبت شد، اما پس از نزدیک به دو دهه، سلبریتی‌ها دریافتند که دیده شدن از درون دوربین paparazzi‌ها، می‌تواند برای آن‌ها شهرت بیشتری به ارمغان بیاورد و این شهرت و موفقیت (بر خلاف تنها چند دهه پیش) با افشای روابط غیر اخلاقی آن‌ها بیشتر هم خواهد شد. حالا دیگر جنون عکاسی از چهره‌ها را نمی‌شد خاموش کرد. این جنون فقط مربوط به بازیگران سینما یا ستارگان ورزشی و خوانندگان نبود، بلکه چهره‌های مشهور دیگری مثل پرنسس دایانا را هم در بر می‌گرفت؛ او کسی بود که در عصر پیشادید دیجیتال بیش از هر فرد دیگری در جهان از او عکس گرفته شده بود. واضح است، کسانی که آرزومند دیدن عکسی از این سلبریتی‌ها بودند، بیشتر آرزو داشتند به خواسته محال خود برسند: این که روزی در جای آن سلبریتی قرار گیرند و عکس‌های بی‌شماری از آن‌ها گرفته شود. احتمالاً آن‌ها در آن زمان خبر نداشتند که تنها دو دهه بعد، تکنولوژی با قیمت بسیار ارزان، این خواسته آن‌ها را برآورده خواهد کرد.

۳- سلفی‌بگیران خودپرستند؟

همه پژوهش‌هایی که در پنج سال گذشته در جهان انجام شده‌اند، نشان می‌دهند میان سلفی گرفتن و خودپرستی، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.



سلفی‌ها، به‌ندرت برای نگه داشتن گرفته می‌شوند. سلفی‌ها، گرفته می‌شوند تا فرستاده شوند. افراد بارها سلفی می‌گیرند و از بین این سلفی‌ها، تنها یک یا دو مورد را نگه می‌دارند تا برای دیگران بفرستند. سلفی‌بگیران از دیدن تصویر خود لذت می‌برند و برای بهتر کردن این تصویر، برنامه‌ریزی کرده و پروژه تعریف می‌کنند. برخی از این پروژه‌های بدنی، بسیار رنج‌آور یا گران قیمت هستند و فرد را به زیر تیغ جراحی می‌برند، اما میلی به خودپرستی در سلفی‌بگیران هست که آن‌ها را و می‌دارد، تا این رنج‌ها را بر خود هموار کنند. سلفی‌بگیران دوست دارند دیگران هم با دیدن تصویرشان، آن‌ها را تحسین کنند، اما چون بنا به تجربه می‌دانند دیگران چنین نخواهند کرد، خود را با یک رویداد، مکان، زمان و شخصی خاص تداعی می‌کنند. مثلاً، سلفی‌بگیران تلاش می‌کنند با سلبریتی‌ها، رویدادها، مشاهیر و مکان‌ها سلفی بگیرند تا به این وسیله، چهره خود را با جذابیت آن پدیده پیوند دهند و به بیننده، حس بهتری از چهره خود دهند. به همین دلیل است که سلفی‌بگیران (مخصوصاً آن‌هایی که کمتر پیچیده هستند)، گاهی تلاش می‌کنند تا خود را با صحنه‌های ناخوشایندی مثل اعدام، انفجار، مرگ و سقوط ساختمان پلاسکو و ... تداعی کنند. گاهی آن‌ها، اهمیت انواع توجه را تشخیص نمی‌دهند و تلاش می‌کنند به هر نوعی شده، توجه دیگران را جلب کنند.

البته باید توجه داشت که خودپرستی سلفی‌بگیران، جنبه‌هایی مختلف دارد؛ جنبه‌هایی مثل تمایل به وادار کردن دیگران به تحسین خود، لذت بردن از تصویر خویش، تمایل به رهبری، و یا ارائه تصویر خود، و همه این‌ها را در سلفی‌ها می‌بینیم. در جهان امروز ما، خودپرستی به کسانی که به لحاظ روان‌شناختی خودپرست نیستند نیز تسری داده می‌شود. انگار فرد باید برای ارزشمند بودن، به هر نحوی شده شکلی از توجه و تحسین دیگران را به خود جلب کند؛ انگار که



امروز دیگر فداکاری و گذشت، ارزش گذشته را ندارد. سلفی‌بگیران، در عین حال قدرت‌مند هستند. آن‌ها با تحسین هواداران، سرمست می‌شوند و اعتماد به نفس بالایی دارند که این خود باعث می‌شود، طوری رفتار کنند که این حس خود از خود را به دیگران هم منتقل کنند. این باعث می‌شود که عدد کسانی که پی‌گیر فعالیت آنان هستند (به این هواداران «مصرف‌کنندگان آرزومند» می‌گوییم) بالا رود. در علم ارتباطات، تعداد کسانی که فردی را می‌شناسند را معادل میزان قدرت آن فرد می‌دانیم (حتی اگر درک منفی از آن فرد داشته باشند) و این بدان معناست که سلفی‌بگیران، دارای قدرت کنش اجتماعی هستند. در سال‌های اخیر، در شبکه‌های اجتماعی، موارد زیادی از حملات این هواداران سلفی‌بگیران به طرفداران هنر فاخر و منتقدان فرهنگ توده را شاهد بوده‌ایم.

۴ - سلفی‌بگیران و مسئولیت اجتماعی

سلفی‌بگیران، رنج می‌برند. آن‌ها از چیزهای مختلفی رنج می‌برند که نتیجه سلفی گرفتن نیست، بلکه این سلفی گرفتن است که نتیجه آن چیزهاست. یکی از چیزهایی که سلفی‌بگیران از آن رنج می‌برند، میل به استفاده از فرصت به دست آمده، در برابر حس مسئولیت اجتماعی است. در مرگ دایانا، این تنگنا برای پاپاراتزی‌هایی که او را تعقیب می‌کردند به وجود آمد. راننده دایانا که مست بود، برای فرار از پاپاراتزی‌ها، سرعت ماشین را افزایش و در داخل یک تونل، کنترل آن را از دست داد و ماشین را به یکی از ستون‌ها کوبید. پاپاراتزی‌ها زود از راه رسیدند. دایانا زنده بود و می‌شد او را به بیمارستان رساند، اما فرصت عکس گرفتن از این صحنه را هم نمی‌شد از دست داد. آن‌ها پس از چند ثانیه دودلی، شروع به عکاسی کردند. سلفی‌بگیرانی که با رویدادهای مصیبت‌بار اجتماعی عکس می‌گیرند، حسی متناقض



دارند؛ کشمکشی درونی و کشنده که در نهایت با پیروزی هیچ کدام از آن دو حس پایان نمی‌یابد. آن‌ها از یک سو دوست دارند ساختمانی فرو بریزد تا اهمیت سلفی‌ای که آن‌ها گرفته‌اند افزایش یابد، اما از سوی دیگر نگران انسان‌هایی هستند که در همان لحظه در درون ساختمان در حال خاموش کردن آتش هستند و تا لحظاتی دیگر در زیر خروارها خاک و سنگ و آهن دفن خواهند شد. صد البته با این توجیه که «کاری از دست من بر نمی‌آید» به این کشمکش پاسخ می‌دهند و شروع به سلفی‌گرفتن خواهند کرد. البته در ماجرای ساختمان پلاسکو، نه سلفی‌بگیران و نه احتمالاً آتش‌نشانان تصور نمی‌کردند که برج فرو می‌ریزد، و فاجعه‌ای رخ خواهد داد. لذا بسط چنین تصویری به آنان، مد نظر این متن نیست. آنها بیشتر در یک حادثه سلفی می‌گرفتند تا یک فاجعه. و لذا در نقد آنان باید احتیاط کرد.

از این کشمکش درونی که بگذریم، سلفی‌بگیران، معمولاً آدم‌های کم‌سوادی نیستند. تقریباً همه سلفی‌ها برای هم‌خوان کردن با دیگران گرفته می‌شوند و می‌دانیم که شبکه‌های اجتماعی موبایلی امروز، یکی از مهم‌ترین محمل‌های هم‌خوان‌سازی متن و تصویر هستند. همین شبکه‌های اجتماعی، پیوسته اطلاعات توزیع می‌کنند و بنابراین سلفی‌بگیران از اطلاعات مدنی که انتظار می‌رود یک شهروند بداند، ناآگاه نیستند. آن‌ها می‌دانند، تجمع کردن در نقاط حادثه دیده می‌تواند امدادسانی را کند و حتی متوقف کند (مدتی پیش تصاویری از حرکت یک آمبولانس در جاده‌ای بین شهری در آلمان در شبکه‌های اجتماعی موبایلی پخش شد که در آن اتومبیل‌ها در دو سوی اتوبان پارک کرده بودند تا آمبولانس رد شود و زودتر به حادثه‌دیدگان برسد؛ این تصاویر میلیون‌ها بار در ایران دیده شده است). با وجود این، حس خودپرستی باعث می‌شود، فرد از مسئولیت اجتماعی، شانه خالی کند و به خود و دیگران آسیب بزند.



گروه دیگری از سلفی‌بگیران که ندیده‌ام کسی آن‌ها را نقد کند، آن‌هایی هستند که روی آوار پلاسکو سلفی می‌گیرند. طیفی از سلبریتی‌ها در روزهای گذشته روی آواری سلفی گرفته‌اند که هنوز پیکر چندین آتش‌نشان در زیر آن مدفون است. مهم برای این سلبریتی‌ها، تعداد چشم‌هایی است که فعالیت‌های آن‌ها را دنبال می‌کنند، نه خانواده چشم به راه این آتش‌نشانان. در سال ۲۰۱۲ کتابی در انگلستان منتشر شد که در آن ایلان کاپور نشان می‌داد فعالیت‌های انسان‌دوستانه سلبریتی‌ها چیزی جز یک فعالیت روابط عمومی برای خودشان نیست.

سلفی‌ها، تجلی فردگرایی در عصر ما هستند. بر خلاف باور رایج، فردگرایی با انزواطلبی یکی نیست و حتی در نقطه مقابل آن قرار می‌گیرد. فردگرایی در جهان مدرن به معنای بازتعریف اموری مثل آزادی شخصی و گسترش حریم خصوصی است، اما در عین حال، این فردگرایی باعث می‌شود فرد در رابطه با جمع تعریف شود و در سال‌های اخیر، شاهد تقویت اهمیت جمع در تعیین و تعریف فرد بوده‌ایم. به همین دلیل است که اخیراً در بسیاری از فیلم‌های تجاری غربی (که بنا به تعریف باید برای مردم خوشایند باشند و به همین دلیل می‌توان گفت که فضای حاکم بر آن‌ها با ایده‌آل‌های جامعه متناظر است)، در پایان فیلم، شخصیت اصلی، مورد تأیید و تحسین جمع قرار می‌گیرد. در این فضا، «موفقیت» بازتعریف می‌شود و جای اموری مثل از خودگذشتگی، بخشش، دهش و غیره را می‌گیرد. افراد خوب‌اند چون آن‌ها موفق هستند و پدر و مادرها، بچه‌ها را تشویق می‌کنند تا به جای خوب بودن، موفق باشند، حال اگر کسی نتواند از مسیر کار و تلاش موفق باشد، دست کم می‌تواند با ثبت خود در کنار رویدادی مهم، و به قیمت جان باختن چندین انسان، حداقل توهمی از موفقیت و برجستگی را برای خود ایجاد کند.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
دانشگاه شیراز